

## بررسی رویکردهای گلدزیهر درباره منشأ اختلاف قرائات\*

محمد حسین محمدی\*\*

### چکیده

اختلاف قرائات قرآن که در تاریخ این کتاب رخ نموده، پدیده مبارکی نبوده و نیست؛ زیرا چند گونه بودن کیفیت قرائت قرآن در بسیاری از موارد، باعث اختلاف در فهم و برداشت از این کتاب آسمانی گردیده است. از طرفی دیگر، موضوع اختلاف قرائات با نص قرآن کریم ارتباط دارد و قرآن پژوهان نیز به اهتمام والای پیامبر ﷺ در صیانت از قرآن و وجود قرائت واحد و معیار بودن قرائت عامه معتقد هستند و این اختلافات را مربوط به پس از حیات ایشان می‌دانند. اختلاف در قرائت قرآن نه تنها آثار منفی در حوزه درون دینی دارد، در حوزه برون دینی و از نگاه بیگانگان نیز به عنوان یک نقص و کاستی برای کتاب مقدس مسلمانان تلقی می‌شود. گلدزیهر این اختلاف قرائت را بهانه ای برای حمله به قرآن قرار داده است. او معتقد است تمامی قرائت به پیامبر منسوب است و نص ثابتی برای قرآن وجود ندارد. از طرفی دیگر، اثبات آزادی و اختیار افراد در قرائت دلخواه از قرآن و در نهایت حکم به تحریف و برابری قرآن با عهدین از دیدگاه های گلدزیهر در زمینه قرائات است که در این نوشتار مورد تحلیل، بررسی و نقد قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قرآن، مستشرقان، قرائات، گلدزیهر، ابن مجاهد، مصاحف عثمانی

---

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۲ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۱/۴.  
\*\* استادیار جامعه المصطفی العالمیه: mhmtafsir@yahoo.com

## مقدمه

پدیده اختلاف قرائات که پس از وفات رسول اکرم ﷺ آغاز گشت، دوره‌های مختلفی را به خود دید که مطابق آن اصلاحاتی برای حفظ قرائت اصیل قرآنی صورت گرفت. لهجات مختلف قبایل عرب، کیفیت نگارش مصاحف موجود، اعتماد به مصاحف شخصی و اجتهاد قاریان و اختلاف روایات و نقل از صحابه، اختلافاتی را در قرائت اصیل قرآن به وجود آورد که به توحید مصاحف در زمان عثمان منجر شد. بعد از توحید مصاحف، ویژگی‌های رسم الخط مصحف در کنار اجتهاد قاریان و پیدایش علم نحو و تأثیر آن در توجیه قرائات مختلف، اختلافات جدیدی را در قرائت به وجود آورد که این نیز به اصلاح رسم الخط قرآن کریم ختم شد.

رکن اصلی شکل‌گیری این اختلافات را می‌توان اجتهاد قاریان دانست که در پی عواملی چون شهرت‌طلبی، ایجاد قرائتی متمایز از قرائت دیگران یا حتی تلاش برای رسیدن به قرائت اصیل قرآنی بود. مصحف بی نقطه و اعراب عثمان، زمینه را برای اجتهادات قراء فراهم‌تر نمود؛ به گونه‌ای که هر کسی فراخور درکی که از قرآن و زبان عربی داشت، به اعمال سلیقه خود درباره قرائت قرآن پرداخت.

آیت الله خوئی رحمته الله علیه رسم الخط قرآن را بی تأثیر در اجتهاد قراء نمی‌داند و می‌نویسد: «اگر سبب اختلاف قاریان را خالی بودن قرآن‌ها از نقطه و حرکت در نظر بگیریم، احتمال اجتهاد قاریان بیشتر تقویت می‌شود» (خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۱: ۱۶۵).

به گواهی تاریخ، اختلاف قرائات در سده‌های نخست چنان بالا گرفت که مسلمانانی که بر قرائت خاصی پایبند بودند، گاهی برای دفاع از قرائت خود تا مرز خونریزی پیش می‌رفتند؛ چنان که وقتی حدیفه از جنگ ارمنستان بر می‌گشت، در مسیر راه به هر شهری رسید اختلاف و کشمکش مردم بر سر قرائت قرآن را مشاهده نمود؛ لذا وقتی به کوفه رسید بزرگان را فرا خواند و با گوشزد کردن خطر اختلاف قرائات، قسم خورد وقتی به مدینه برسد، عثمان را هشدار دهد. هشدار این مرد باعث شد عثمان با تشکیل لجنه‌ایی به کار توحید مصاحف و یک‌دست کردن قرائات همت گمارد.

با اذعان به تاریخی بودن مسئله اختلاف قرائات در عصر کنونی، باز شناخت علل و عوامل این اختلاف و دامنه آن بسان هر مسئله تاریخی دیگر، لازم و ضروری است تا بدین طریق بیابیم که قرآن به عنوان یک کتاب آسمانی، چه سرگذشتی داشته و چگونه با چنان اختلافات دامنه‌داری بر سر یک قرائت پا برجا مانده است.

## زیست‌نامه ایگناس گلدزیهر

ایگناس گلدزیهر، خاورشناس معروف و نامدار مجاری، در سال ۱۸۵۰م. در شهر استولونیسبورگ و در یک خانواده یهودی زاده شد. تحصیلات خود را در پایتخت مجارستان و تحصیلات دانشگاهی را در لایپزیک در رشته شرق‌شناسی پشت سر گذاشت. او در سال ۱۸۷۰م. رساله دکترای خود را زیر نظر فلاشر به پایان رساند. موضوع رساله وی «پژوهش درباره تنخوم اورشلمی» بود که از مفسران یهودی تورات در قرون وسطی به شمار می‌رفت. این خاورشناس یهودی در تطبیق و مطالعه متون از دیگر خاورشناسان سرآمد بود، ولی متأسفانه پژوهش‌های خویش را با فرضیه‌سازی و خیال‌پردازی قرین ساخت و از مخالفت با اسلام خودداری نرزدید (حسینی طباطبایی، نقد آثار خاورشناسان، ۱۳۷۵: ۹۹-۱۰۰؛ بدوی، دایره المعارف مستشرقان، ۱۳۷۸: ۳۲۸-۳۳۶).

گلدزیهر در بعد علمی، شخصیتی برجسته و مورد تمجید و ستایش برخی از دانشمندان قرار گرفته است (ر.ک: بدوی، همان، ۳۲۸). وی از نویسندگان مقالات و دایرة المعارف اسلامی بود و این امر بر شهرت علمی او افزوده است. وی زندگی آرام علمی ولی همواره با تلاش و حرکتی وافر داشت (همان).

پس از دریافت درجه دکترا به بوداپست بازگشت و در سال ۱۸۷۲م. به سمت دانشیار دانشگاه آن شهر برگزیده شد. پس از یک سال سکونت در وین و لیدن به سوریه رفت و با شیخ طاهر جزائری، عضو مجمع ملی دمشق و مدیر کتابخانه ظاهریه، طرح دوستی ریخت و از او بهره‌ها برد. سپس به فلسطین و مصر رفت و در مصر گاهی به دانشگاه الازهر رفت و آمد می‌کرد و از درس‌های استادان و علمای مصر بهره‌مند شد. پس از یک سال و نیم اقامت در مشرق به مجارستان بازگشت و به فعالیت‌های علمی و تدریس در دانشگاه‌ها مشغول شد و سرانجام در سال ۱۹۲۱م. درگذشت (بدوی، فرهنگ کامل خاورشناسان، ۱۳۷۸: ۳۳۸-۳۲۸).

## روش علمی گلدزیهر

بر اساس آنچه درباره زندگی علمی گلدزیهر نوشته‌اند، وی انسانی پر تلاش و با انگیزه بوده است به طوری که نوشتن را از دوازده سالگی آغاز کرده بود و آثار علمی او را تا ۵۹۲ عنوان برشمردند (بدوی، دائرة المعارف مستشرقان، ۱۳۷۸: ۵۲۳)، ولی آشنایان با کارهای علمی او روش علمی وی را چنین معرفی کرده‌اند.

۱- توجه بسیار به کشف تمایزات و ویژگی‌های مذاهب گوناگون و تأثیرات آنها بر یکدیگر (همان، ۵۲۲).

۲- تکیه بر روش استدلالی؛ یعنی با نظام ذهنی از پیش ساخته و با دیدگاه‌های کلی و اجمالی به سراغ منابع می‌رفت تا انطباقی میان نظریه‌های کلی خود و آن منابع بیابد. به عبارت دیگر، او با ذهنی تهی به سراغ منابع و متون نمی‌رفت تا پس از گردآوری و تدوین مدارک به بررسی و نتیجه‌گیری بپردازد. بر این اساس، گاهی شواهد را به سختی برآنچه درصدد اثباتش برآمده بود، تحمیل می‌کند (همان، ۵۲۱).

۳. واقعیت این است که این خاورشناس، مغرضانه به پژوهش در قرآن و اسلام می‌پردازد و می‌خواهد خود را به این نتیجه برساند که هیچ شاهدی دال بر اینکه قرآن بر نص واقعی خود مانده است، در دست نیست (گلدزیهر، ترجمه مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۸۳: ۶۷).

### گلدزیهر و اختلاف قرائات

گلدزیهر در کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» تاریخ اختلاف قرائت قرآن کریم را هم زمان با نخستین دوره تفسیر و پیشینه تلاش در تفسیر قرآن کریم بر می‌شمارد و معتقد است در اسلام هر جریان فکری می‌تواند عقاید خود را با قرآن تطبیق دهد. وی وجود مکاتب فکری مختلف و تلاش برای اثبات حقانیتشان را دلیلی بر صحت این عقیده می‌داند (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۸۳: ۳).

گلدزیهر اختلاف قرائات را دلیلی بر عدم وحدانیت نص قرآن تلقی کرده و می‌گوید: «در میان کتاب‌های دینی که گروه‌های مختلف دینی معتقدند نص وحیانی و نازل شده از جانب خداست، هیچ کتابی همچون قرآن از نخستین دوران رواج آن، دچار پریشانی و عدم ثبات از لحاظ نص و متن وجود نداشته است» (همان، ۴). وی در ادامه می‌گوید: برای مسلمانان تنها حفظ معانی و مفاهیم قرآن کریم اهمیت داشت نه الفاظ آن (ر.ک: همان، ۴۸) و برای افراد فرقی نداشت که نص قرآن را بر خلاف قرائت عمومی بخوانند. گلدزیهر آزادی در قرائات را حتی در حوزه عبادات و فقه نیز پذیرفته است (همان، ۵۵).

## گلدزبهر و شکل‌گیری اختلاف قرائات

### ۱. تساهل و تسامح پیامبر

گلدزبهر آزادی در قرائات را به رسول خدا نسبت می‌دهد و معتقد است با استناد به قرائات پیامبر هیچ‌گونه عسر و حرجی در قرائت قرآن کریم به طرق مختلف وجود نداشته است. از دیدگاه وی، این امر از نوعی تساهل و تسامح نسبت به قرائت قرآن از جانب پیامبر اکرم حکایت دارد. وی حکایت عبدالله بن ابی سرح<sup>[۱]</sup> و تأیید پیامبر در مورد نگارش و قرائت‌های مختلف او را مورد توجه قرار می‌دهد (ر.ک: همان، ۵۱).

گلدزبهر در جای دیگر یکی از عوامل پیدایش اختلاف قرائات را تساهل و تسامح پیامبر اکرم نسبت به قرائت قرآن با وجود قبائل و لهجه‌های متعدد و داشتن روحیه آزاد در امر قرائت و تأیید آنها از سوی پیامبر می‌داند (همان، ۴۶).

### بررسی و تحلیل

اختلاف قرائت ناشی از اختلاف لهجات امری معمول است و هیچ و شبهه‌ای در آن نیست، ولی هیچگاه نمی‌توان غیر وحیانی بودن آیات را از آن استنباط نمود چنان که گلدزبهر چنین استنباطی را نموده است.

ابن قتیبه می‌گوید: از جمله اموری که خداوند به منظور تسهیل و توسعه بر امت اسلامی مقرر کرد، این بود که رسولش را مأمور کرد که به مردم اعلام نماید هر گروهی می‌تواند قرآن کریم را مطابق لهجه و لغت خودشان قرائت کنند. او در تحلیل این پدیده می‌گوید: اگر هر یک از این قبیله‌ها و گروه‌ها موظف می‌شدند که از لغت و لهجه و آن روندی که زبانشان بدان مأنوس است دست بردارند، آن هم زبانی که از کودکی با آن عادت کردند و با آن پرورش یافتند و تا سن پیری بدان خو گرفته اند، این وظیفه بر آنها دشوار می‌گشت و باید از پس آزمون بسیار سنگینی بر می‌آمدند که در توان آنها نبود. نیز ادای چنین وظیفه‌ای جز پس از ریاضت و تمرین و رام ساختن زبان و ترک عادت امکان‌پذیر نبود؛ لذا خداوند در ظل رحمت و لطف خویش گستره‌ای در امر لغات و مواردی برای تصرف در کلمات برای مردم فراهم آورد و بدین سان در امر دین بر آنان آسان گرفت (ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، بی‌تا: ۳۰).

از معاصران دکتر طه حسین می نویسد: به اختلاف دیگری در قرائات اشاره شده است که عقل آن را می پذیرد و نقل و روایت نیز آن را تجویز و تأیید می کند و ضرورت اختلاف لهجه ها که میان قبائل عربی دیده می شود، این اختلاف را ایجاب می نماید؛ قبایلی که نمی توانند حنجره ها و زبان ها و لب های خود را دگرگونه سازند تا بتوانند قرآن کریم را همان گونه قرائت کنند که پیامبر اکرم و خویشاوندان قریشی او قرائت می کردند. این قبائل قرآن را بدان گونه که تکلم می نمودند، قرائت می کردند؛ لذا در قرائت خود اماله را به کار می بردند که قریش آن را به کار نمی گرفت یا کلمه ای را ممدود می خواندند که قریش آن را به مدّ نمی خواند یا واژه ای را مقصور قرائت می کردند که قریش به قصر قرائت نمی کرد، یا سکونی را در مورد حرفی به کار می بردند که قریش آن را ساکن قرائت نمی کرد، یا ادغام و اخفات را در مورد کلماتی مورد استفاده قرار می دادند که قریش چنین نمی کردند (طه، فی الادب الجاهلی، ۱۹۵۸: ۹۵). دیگر دانشمندان عرب زبان معاصر نیز این عامل را مورد قبول و پذیرش قرار داده اند و آن را معقول می دانند (علی جندی، اطوار الثقافه والفکر فی ظلال العروبه و الاسلام، ۱۹۵۹: ۸۰ / ۱). این امر، تساهل و تسامح و واگذاری قرائت به مردم و صحابه به هر نحوی که می خواهند، نیست.

## ۲. رسم الخط

گلدزیهر «رسم الخط مصاحف عثمانی» را برای بی اعتبار کردن قرآن مورد توجه قرار داده و آن را عامل اصلی و مهم تغییر قرآن معرفی کرده است. وی می نویسد: اختلاف قرائات اندازه های مختلف صوتی ایجاد می کند که منشأ آن نیز اختلاف وضع نقطه هایی است که زیر یا روی فرم و شکل خط قرار گرفته یا منشأ آن، اختلافات نقطه از نظر تعداد است (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۸۳: ۹۸).

## بررسی و تحلیل

این سخن گلدزیهر توجه صاحب نظران را برای نقد به خود جلب کرده است (حموده، القراءات واللہجات، ۱۹۴۸: ۱۸۲-۲۱۳؛ شاهین، تاریخ القرآن، بی تا: ۲۰۹-۲۱۶؛ الفضلی، مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، بی تا: ۱۲۵) و حتی عده ای از خاورشناسان نیز سخن او را نقد کرده اند (بروکلمان، تاریخ الادب العربی، بی تا: ۱ / ۱۴۰؛ جفری، مقدمه المصاحف لابن ابی داود، بی تا: ۷). این نظریه گلدزیهر به دلایل زیر بر خلاف واقعیت است؛ زیرا:

اولاً: از روزی که رسول خدا به رسالت مبعوث شد و قرآن را قرائت می‌کرد، عده‌ای از مسلمانان که از قبائل مختلف بودند، لهجه‌های متفاوت داشتند و قطعاً نمی‌توانستند همانند رسول خدا قرائت کنند. همین امر باعث اختلاف در قرائت بود و این اختلاف قبل از آنکه قرآن به صورت مصحف فعلی درآید، انجام گرفته است، در حالی که رسم الخط مورد استناد گلدزیهر مصحف عثمانی است که حدود ۴۰ سال بعد از این حوادث به وجود آمده است.

ثانیاً: اختلاف قرائات در زمان پیامبر امری رایج بود. در مواردی خود پیامبر اختلاف قرائت صحابه را تأیید می‌کرد (ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، بی‌تا: ۳۰). بر اساس حدیث «انزل القرآن علی سبعة احرف لكل حرف ظهر و بطن» (متقی هندی، کنز العمال، بی‌تا: ۵۳/۲، ش ۳۰۸۶). اختلاف قرائات مسئله‌ای بسیار روشن است که قبل از رسم الخط عثمانی وجود داشته است.

ثالثاً: اگر رسم الخط عامل اختلاف قرائت باشد، این کار می‌تواند وجوه مختلف و زیادی را در قرائت به وجود آورد، در حالی که قرائاتی که از آنها اطلاع داریم و دانشمندان، کتاب‌های متعددی درباره آنها نگاشته اند، محدود است و همه آنها به نقل و روایت متکی است نه به طرز کتابت و رسم الخط قرآن.

### ۳. عدم نقطه گذاری

گلدزیهر یکی از عوامل اختلاف در قرائات را عدم نقطه گذاری قرآن دانسته و به آیاتی استناد جسته است: «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره/ ۵۴)؛ «و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید! پس توبه کنید و به سوی خالق خود باز گردید! و خود را [یکدیگر را] به قتل برسانید! این کار، برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است.» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت زیرا که او توبه‌پذیر و رحیم است». او ذیل این ادعا می‌کند: «اگر پیامبر خدا فرمان داده باشد که عده‌ای از بنی اسرائیل همدیگر را بکشند، کاری همراه با سنگدلی و قساوت است و تناسبی با کار خطای آنها ندارد. در حقیقت، آیه به صورت «فاقیلوا انفسکم» بوده است؛ یعنی از راه خود برگردید و از کاری که کردید، اظهار پیشمانی کنید» (همان، ۱۱). او این قرائت را به قتاده مصری متوفی به سال ۱۱۷ ق. نسبت داده است. از دیگر آیات مورد اشاره گلدزیهر در این زمینه اعراف/ ۴۸ و ۵۷، توبه/ ۱۱۴ و یونس/ ۲۲ است (ر.ک: همان، ۱۲۹) که در ذیل مورد اشاره قرار می‌دهیم.

﴿وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَابِ رَجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ﴾ (اعراف / ۴۸)؛ «و اصحاب اعراف، مردانی (از دوزخیان را) که از سیمایشان آنها را می شناسند، صدا می زنند و می گویند: «(دیدید که) گردآوری شما (از مال و ثروت و زن و فرزند) و تکبرهای شما به حالتان سودی نداد!» قرائت دیگر آیه «تَسْتَكْبِرُونَ» است (الزمخشری، الکشاف، بی تا: ۱ / ۵۵۰؛ آلوسی، روح المعانی، بی تا: ۸ / ۱۲۵) و منشأ این اختلاف در قرائت، عدم وجود نقطه در مصاحف بوده است.

﴿وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا بِحَالًا سُقَّتَاهُ لِجَلْدِ مِيَّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (اعراف/۵۷)؛ «او کسی است که بادهای بارش را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می فرستد تا ابرهای سنگین بار را (بر دوش) کشند (سپس) ما آنها را به سوی زمین های مرده می فرستیم و به وسیله آنها آب (حیات بخش) را نازل می کنیم و با آن، از هر گونه میوه ای (از خاک تیره) بیرون می آوریم این گونه (که زمین های مرده را زنده کردیم)، مردگان را (نیز در قیامت) زنده می کنیم، شاید (با توجه به این مثال) متذکر شوید!». در این آیه در واژه «بُشْرًا» چهار احتمال داده شده است که تمام احتمالات ناشی از عدم نقطه گذاری بوده است:

۱- «بُشْرًا» (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۷ / ۲۲۹؛ آلوسی، روح المعانی، بی تا: ۸ / ۱۴۴)؛  
 ۲- «بُشْرًا» (آلوسی، روح المعانی، بی تا: ۸ / ۱۴۴؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۷ / ۲۲۹؛ رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۰۵: ۱۴ / ۱۳۹؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۰۸: ۸ / ۱۴۸؛ زمخشری، الکشاف، بی تا: ۱ / ۵۵۹).

۳- «بُشْرًا» (رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۰۵: ۱۴ / ۱۳۹؛ القرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۷ / ۲۲۹؛ زمخشری، الکشاف، بی تا: ۱ / ۵۵۱؛ آلوسی، روح المعانی، بی تا: ۸ / ۱۴۴).

۴- «بُشْرَى» (با الف مقصوره) (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۷ / ۲۲۹؛ زمخشری، الکشاف، بی تا: ۱ / ۵۵۱؛ ابوالفرج، زاد المسیر، ۱۳۸۴: ۳ / ۲۱۸).

﴿وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِثْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾ (توبه/۱۱۴)؛ «و استغفار ابراهیم برای پدرش [عمویش آزر]، فقط به خاطر وعده ای بود که به او داده بود (تا وی را به سوی ایمان جذب کند)، اما هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بیزارى جست به یقین، ابراهیم مهربان و بردبار بود!».



قرائت دیگر این آیه «وَعَدَهَا أَبَاةً» می باشد (فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۰۵: ۱۶/۲۱۶؛ زمخشری، کشاف، بی تا: ۲/۶۰؛ آلوسی، روح المعانی، بی تا: ۱۱/۳۴؛ ابوالفرج، زاد المسیر، ۱۳۸۴: ۳/۵۰۹).

**﴿هُوَ الَّذِي يُسِرُّكُمْ فِي النَّبْرِ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفَلَاحِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾** (یونس / ۲۲): «او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد زمانی که در کشتی قرار می گیرید، و بادهای موافق آنان را (به سوی مقصد) حرکت می دهد و خوشحال می شوند، ناگهان طوفان شدیدی می وزد و امواج از هر سو به سراغ آنها می آید و گمان می کنند هلاک خواهند شد. در آن هنگام خدا را از روی اخلاص می خوانند که «اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود!».

در واژه «یُسِرُّكُمْ» چهار احتمال وجود دارد.

- ۱- «یُسِرُّكُمْ» که قرائت مشهور و منسوب به عاصم، حمزه، کسایی، نافع، ابوعمر، ابن کثیر است (الخصطیب، معجم القرائات، بی تا: ۳/۵۲۱).
- ۲- «یُنْشِرُّكُمْ» که قرائت ابن عامر، ابوالعالیه، شیبیه، منسوب است (آلوسی، روح المعانی، بی تا: ۱۱/۹۶؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۰۵: ۱۷/۷۱؛ زمخشری، کشاف، بی تا: ۲/۷۱؛ ابوالفرج، زاد المسیر، ۱۳۸۴: ۴/۱۹؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۸/۳۲۴). همچنین این قرائت به ابوجعفر یزید بن قعقاع هم نسبت داده شده است (طبرسی، مجمع البیان، بی تا: ۵/۱۰۰).

۳- «یُنْشِرُّكُمْ» (آلوسی، روح المعانی، بی تا: ۱۱/۹۶؛ سجستانی، المصاحف، بی تا: ۱۱۷؛ سمین، الدر المصون، بی تا: ۴/۱۶)؛

۴- «یُنْشِرُّكُمْ» (سمین، همان، ۴/۱۶).

از نظر گلدزیهر تمام این اختلافات ناشی از عدم وجود نقطه گذاری در مصاحف بوده است (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۸۳: ۱۲۹).

### بررسی و تحلیل

اولاً: ادعای گلدزیهر در باره آیه ۵۴ سوره بقره مخدوش است؛ زیرا در تفسیر طبری که مرجع او در ذکر قرائات مخالف است، به نقل از قتاده آمده است: «فاقتلوا انفسکم» یعنی در دو صف مقابل یکدیگر بایستید و شروع به جنگ کنید تا زمانی که فرمان کفایت آید و بدین ترتیب، شهادت برای مقتول و توبه برای فرد زنده ثبت می شود» (طبری، جامع البیان، ۱۴۰۸: ۲۲۸/۱). از برخی معتزله ذکر شده است که از منظر آنها دستور به قتل نفس قبیح بوده است (قرطبی، جامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۱/۴۰۲). باید افزود، گلدزیهر این حکم قرآن را شبیه به رأی کتاب مقدس در این زمینه می داند. پس چگونه است که این مسئله در قرآن نوعی سنگ دلی و قساوت است، اما نسبت به تورات این گونه نیست؟

ثانیاً: مفسران حتی خود طبری قرائت مورد نظر گلدزیهر را شاذ اعلام کرده اند (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۸/۳۲۴؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۰۸: ۱۱/۷۱)؛ بنابراین از درجه اعتبار ساقط است.

ثالثاً: بر فرض که آنان چنین قرائتی داشته اند، همان گونه که پیشتر بیان شد، قرآن و قرائت آن دو مقوله جداگانه اند و قرآنیت قرآن تنها با تواتر ثابت می شود و چنان که گذشت، هیچ قرائتی حتی قرائت قراء سبعة متواتر نیست تا چه رسد به قرائت غیر سبعة.

رابعاً: از آنجا که گلدزیهر تخصصی در علم قرائت نداشته، نتوانسته است قرائت صحیح و معتبر را از قرائت شاذ و غیر معتبر تشخیص دهد و بر این اساس بین این دو نوع قرائت که یکی در واقع قرائت نیست و کسی به آن توجه ندارد، خلط کرده است و این، سبب اشتباه بزرگ او شده است.

#### ۴. دخالت شخص پیامبر ﷺ در تغییر قرآن

گلدزیهر تلاش زیادی انجام داده تا اثبات کند که قرآن دستاورد بشری است. همان گونه که در روش علمی او بیان شد، در مواردی به سختی شواهد و مدارکی را بر آنچه درصدد اثباتش است، تحمیل می کند. این نظر او در مورد منشأ قرائات نیز از همان موارد است. یکی از مواردی که برای این مسئله شاهد آورده، این است که در ابتدای اسلام افراد آزاد بودند که نص قرآن را تبدیل کنند و یکی از افرادی که این کار را انجام داد، خود پیامبر است که بر خلاف قرائت مشهور قرائت کرد. وی به این مورد مثال زده است: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ

أَفْسِكُمْ ﴿ (توبه / ۱۲۸)؛ «رسولی از میان خودتان نزد شما آمد». گلدزیهر مدعی است که رسول خدا این آیه را به ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ﴾ تغییر داده است که فاء را به فتح خوانده است (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۸۳: ۵۱) که در این صورت معنا چنین می‌شود: «رسولی از نفیس ترین تان به نزد شما آمد».

### بررسی و تحلیل

سخن گلدزیهر از جهات مختلف ذیل مخدوش است:

۱. مفسران اعلام کرده اند که این قرائت شاذ و از درجه اعتبار ساقط است (اندلسی، البحرالمحیط، بی تا: ۵ / ۱۸۸).
۲. گلدزیهر انتساب این قرائت را به رسول خدا از نظر علمی یعنی با استفاده از علم رجال و درایه ثابت نکرده است. گذشته از آن، وی چنین تخصصی ندارد که بتواند صحت اسناد روایت را اثبات کند.
۳. اگر ثابت شود که رسول خدا چنین قرائت کرده است، این سخن که «خلاف مشهور قرائت کرده است» معنا ندارد؛ زیرا رسول خدا قبل از مشهور بوده است و مشهور از او پیروی می‌کنند نه او از مشهور.
۴. گذشته از صحت اسناد، باید هماهنگی قرائت با مصحف امام نیز اثبات شود تا قرائت صحیح باشد.
۵. اگر اثبات شود که پیامبر چنین قرائت کرده است، به صریح آیات قرآن از جمله آیه ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (النجم / ۴-۵). این قرائت نیز وحی است نه تعبیر قرآن از پیش خود.
۶. گلدزیهر نمی‌داند که طبق آیاتی از قبیل ﴿وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ \* لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ \* ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ﴾ (الحاقه / ۴۶-۴۴). خداوند بر روند ارسال وحی تا رساندن آن به مردم به طور مستقیم نظارت می‌کرد و اجازه نمی‌داد که کوچک‌ترین تغییری از طرف افراد از جمله رسول خدا در وحی ایجاد شود؛ بنابراین، اگر چنین قرائتی ثابت شود، وحی خواهد بود نه سخن خود ساخته رسول خدا.

##### ۵. دخالت اصحاب رسول خدا ﷺ در تغییر قرآن

گلدزیهر در این باره می‌گوید: در آغاز اسلام صحابه نیز این آزادی را داشتند که نص قرآن را تغییر دهند. وی برای اثبات این مسئله به آنچه به عبدالله بن مسعود نسبت داده شده که آیه ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (الحمد/ ۷) را به «ارشدنا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» تغییر داده است، استناد جسته است (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۸۳: ۴۹-۵۰).

##### بررسی و تحلیل

این نظر گلدزیهر نیز مخدوش است؛ زیرا مفسران این قرائت را شاذ اعلام کرده (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۴: ۶۷/۱) و از درجه اعتبار ساقط دانسته‌اند. بر فرض که این نسبت صحیح باشد، این تفسیر کلمه است نه قرائت. شاهد آن این است که هدایت به معنای ارشاد می‌باشد (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ۲۷/۱).

ملاحسن فیض نیز می‌نویسد: این اضافه‌ها به عنوان تفسیر نوشته می‌شده، نه اینکه جزء قرآن باشد. پس آنچه به گوش می‌رسد که با کلماتی بر خلاف قرائت مردم خوانده شده، منظور تفسیر الفاظ قرآن و روشن کردن معانی آن می‌باشد (فیض کاشانی، الوافی، ۱۳۷۵: ۹/۱۷۷۸).

##### ۶. تغییر قرآن به سبب ملاحظات اجتماعی

از جمله آیاتی که گلدزیهر در ادعای تغییر قرآن به دلیل ملاحظات اجتماعی دستاویز قرار داده، این آیه است: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (بقره/ ۵۴)؛ «و زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من! شما با انتخاب گوساله (برای پرستش) به خود ستم کردید! پس توبه کنید و به سوی خالق خود باز گردید! و خود را [یکدیگر را] به قتل برسانید! این کار، برای شما در پیشگاه پروردگارتان بهتر است.» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت زیرا که او توبه‌پذیر و رحیم است.» او در این باره می‌گوید: ملاحظات بعضی از علما در تغییر این آیه نقش داشته است؛ چون دریافتند که خودکشی یا کشتن گناهکاران امری خشن است و با گناه تناسب ندارد، دو نقطه بالا را در «فاقتلوا» پایین آوردند و آن را «فاقیلوا» خواندند (گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۸۳: ۱۱).

## بررسی و تحلیل

نقدهایی بر این نظر وارد است:

۱. این قرائت شاذ و از درجه اعتبار ساقط است (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۱/۴۰۲).

۲. این آیه تغییر نکرده و در تمام مصاحف با کلمه «فاقتلوا» نوشته شده است.

۳. تمام مفسران آیه را بر اساس قرائت «فاقتلوا» تفسیر کرده اند و کیفیت این جریان را در تفاسیر یادآور شده اند (زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۴: ۱/۲۸۰؛ قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۳۶۴: ۱/۴۰۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۰۸: ۱/۱۱۳؛ طباطبایی، المیزان، بی تا: ۱/۱۸۹؛ جوامع الجامع، بی تا: ۱/۴۶؛ فیض، تفسیر الصافی، ۱۳۷۵: ۱/۹۳).

۴. این حکم و دستور مربوط به یهود و اجداد گلدزیهر می باشد و ربطی به اسلام ندارد تا دانشمندان اسلامی به سبب ملاحظات اجتماعی آن را تغییر دهند و چنین نیست که هر حکمی که در شریعت سابق بوده، در شریعت فعلی نیز وجود داشته باشد تا درصدد توجیه آن برآیند و علمای اسلامی اتفاق نظر دارند که شریعت اسلام ناسخ شرایع دیگر می باشد؛ بنابراین، نیازی به توجیه ندارند.

۵. تصور گلدزیهر از علمای اسلام و عملکرد آنها تصور درستی نیست؛ زیرا علمای اسلام را همانند علمای یهود می پندارد که هر کجا احکام خدا با هواهای نفسانی آنان سازگار نبود، آن را تغییر می دهند و تحریف می کنند؛ چنان که قرآن این رفتار زشت را به صراحت به آنان نسبت می دهد؛ برای مثال، می توان از این آیه یاد کرد: ﴿مَنْ الَّذِينَ هَادُوا يُخَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾ (نساء/ ۴۶).

## ۷. اختلاف ناشی از اختلاف حرکات

از جمله آیات مورد استناد گلدزیهر در اختلاف ناشی از اختلاف حرکات آیه ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ (رعد/ ۴۳) است.

موضوع مورد مناقشه گلدزیهر در این آیه بر سر عبارت «وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» یعنی است. او معتقد است قرائت های دیگری از این آیه موجود بوده است که به صورت «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» یا «وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» نیز خوانده شده است (ر.ک: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۸۳: ۱۴). از دیگر آیات مورد اشاره گلدزیهر در این زمینه توبه/۱۲۸، حجر/۸، مائده/۶ است (ر.ک: همان، ۱۲-۱۵).

### بررسی و تحلیل

در مورد آیه مورد استشهاد گلدزیهر باید گفت، در تفاسیر شیعی مصداق «مَن» در آیه شریفه، حضرت علی (علیه السلام) بیان شده است که روایات بسیاری مؤید آن است (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۱۱/۳۸۷-۳۸۹؛ طبرسی، مجمع البیان، بی تا: ۴۶۲/۶؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ۱۴۰۵: ۱۱/۲۴۳). در درالمنثور قرائت «وَمِنْ عِنْدِهِ عِلْمُ الْكِتَابِ» به خلیفه دوم نسبت داده شده است (ر.ک: سیوطی، درالمنثور، بی تا: ۶۹/۴). در این صورت، می توان گفت، انگیزه او از این تغییر، تنها انگیزه سیاسی در حذف فضیلت امام علی (علیه السلام) از سر زبان ها بوده است، اما این قرائت تنها منسوب به اوست و هیچ یک از قاریان بدان تمسک نورزیده اند. قرائت دوم را زمخشری ارائه کرده است با این فرض که «مَن» جاره فرض شود «علم» براساس مفعول بودن منصوب قرائت شود (ر.ک: زمخشری، الکشاف، بی تا: ۵۳۶/۲)، اما برای این قرائت هیچ قاری ای را مشخص نکرده است و ممکن است تنها از توجیهاات نحوی وی نشأت گرفته باشد.

### ۸. اختلاف در مسائل کلامی

گلدزیهر معتقد است پاره ای از اختلاف قرائات از سوی برخی از قاریان و با هدف تنزیه خداوند و رسولان از برخی صفات که در قرآن کریم به آنها نسبت داده شده، صورت گرفته است. وی ذیل آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران / ۱۸)؛ «خداوند، (با ایجاد نظام واحد جهان هستی) گواهی می دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (هر کدام به گونه ای بر این مطلب) گواهی می دهند در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است» معتقد است شهادت خداوند بر ذات خویش آن هم به همراه فرشتگان دارای دشواری هایی است و متناسب با جایگاه ربوبیت نیست؛ لذا تبدیل عبارت «شَهِدَ اللَّهُ» به «شَهِدَاءُ اللَّهُ» این مشکل را مرتفع خواهد ساخت (ر.ک: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۸۳: ۳۲ و ۳۳).

گلدزیهر همچنین آیات فتح/۹ و ۸، صافات/۱۲ و ۱۱، عنکبوت/۲، مائده/۱۱۲، انبیاء/۱۱۲، مائده/۱۰۶، بقره / ۱۳۷، کهف / ۸۰، یوسف/۸۱، آل عمران / ۱۶۱ و بقره/ ۱۰۶ را مطرح کرده است (ر.ک: همان، ۳۲-۴۴).

## بررسی و تحلیل

در باره آیه مورد استشهاد برای ارتباط اختلاف قرائات با مسائل کلامی باید اذعان داشت که مفهوم مورد استناد وی در آیه ﴿لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ (نساء/ ۱۶۶) نیز به کار رفته است. فراتر از این، گاهی خداوند از اعضا و جوارح برای خود سخن می‌گوید: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ (طه/ ۵) و ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح/ ۱۰). این مفاهیم حتی توسط پیامبر هم هیچ تغییری نیافت و مهم‌ترین دلیل برای اثبات وحدت نص قرآن است. علامه طباطبایی درباره کیفیت این شهادت می‌نویسد: «خداوند به عنوان شاهدی عادل با فعل خود یعنی نظام عالم و با قول خود که ظاهر آیه است، شهادت می‌دهد که معبودی جز او نیست» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۱۴/۳).

## ۹. جایگزینی کلمات مترادفات

گلدزیهر با استناد به آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نور/ ۲۷) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید این برای شما بهتر است شاید متذکر شوید!» معتقد است واژه «تستأذِنُوا» از سوی برخی از قاریان به صورت «تستأذِنُوا» قرائت شده است.

آیه‌های بقره/ ۴۸، مائده/ ۳۸، رحمن/ ۹، مریم/ ۲۷، اسراء/ ۹۳ و فاتحه/ ۵ از دیگر نمونه‌های مورد اشاره گلدزیهر است (ر.ک: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۸۳: ۲۷-۲۹ و ۴۹ و ۵۰).

## بررسی و تحلیل

قرائت «تستأذِنُوا» به چند نفر از قبیل ابن عباس و عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و سعید بن جبیر نسبت داده شده است (رازی، روض الجنان، ۱۴۰۸: ۲۳/ ۱۹۷؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۰۸: ۱۸/ ۸۷؛ زمخشری، کشاف، بی‌تا: ۲/ ۳۸۲؛ شیخ طوسی، التبیان، بی‌تا: ۷/ ۴۲۶)، اما به نظر می‌رسد این نسبت صحیح نمی‌باشد؛ لذا ابوحیان می‌نویسد: کسانی که از ابن عباس نقل کرده‌اند کلمه «تستأذِنُوا» می‌باشد، ملحدند و ابن عباس بری از این قول می‌باشد و کلمه همان «تستأذِنُوا» است که در کلام عرب بین و روشن است.

رازی آورده است این کلام از ابن عباس نوعی طعنه بر قرآن است و بعید است ابن عباس چنین حرفی را زده باشد و قرطبی نیز در تفسیر خود قرائت «تستأذنوا» را رد کرده است (الخطیب، معجم القرائات، بی تا: ۶/ ۲۵۳-۲۵۲).

#### ۱۰. خطای نگارشی

گلدزیهر برخی از موارد اختلاف قرائت را به خطای کاتبان مصاحف عثمانی نسبت می دهد و به این آیه اشاره می کند: ﴿لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (نساء/۱۶۲)؛ «ولی راسخان در علم از آنها، و مؤمنان (از امت اسلام)، به تمام آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان می آورند. (همچنین) نمازگزاران و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز قیامت، بزودی به همه آنان پاداش عظیمی خواهیم داد». گلدزیهر درباره قرائت این آیه به نقل از زبیر بن عوام و ابان بن عثمان بن عفان و همچنین عروة بن زبیر از عایشه آورده است که با توجه به عدم صحت عطف «المقیمین» به ما قبل خود، این مسئله از خطاهای نویسندگان مصاحف عثمانی است (ر.ک: گلدزیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، ۱۳۸۳: ۴۶).

#### بررسی و تحلیل

جواب این تصورات را زمخشری داده و می نویسد: کلمه «المقیمین» منصوب به مدح شده تا فضیلت نماز را روشن سازد و این، بابتی گسترده است و پندار کسانی که گمان کرده اند این، غلطی در نگارش مصحف می باشد، ارزشی ندارد. شاید کسانی که در قرآن دقت نکرده و شیوه های زبان عرب و فونونی که در نصب به اختصاص به کار می رود، نشناخته اند، از این مساله غفلت ورزیده اند که پیشینیان اسلام به خوبی از اسلام حفاظت کرده و راه هرگونه طعنه را بر آن بسته اند و نسبت به اسلام و دفاع از حریم مقدس آن، بسیار باهمت تر و باغیرت تر از آن بودند که در کتاب خدا رخنه یا شکافی بگذارند تا دیگران بعد از آنان بخواهند آن را التیام بخشند (زمخشری، الکشاف، بی تا: ۱/ ۵۹۰).

بعضی از مفسران این واژه را منصوب بر مدح نمازگزاران (یعنی امدح مقیمین الصلاة) و یا مجرور به فعل محذوف (یعنی یؤمنون بالمقیمین) دانسته اند (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بی تا: ۵/ ۱۳۹؛ طبرسی، مجمع البیان، بی تا: ۳/ ۲۱۴؛ زمخشری، الکشاف، بی تا:



۵۹۰/۱؛ ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان، ۱۴۰۸: ۱۹۰/۶؛ طبری، جامع البیان، ۱۴۰۸: ۱۸/۶ و طوسی، التبیان، بی تا: ۳۸۹/۳؛ بنابر این، هیچ‌گونه خطایی در قرآن کریم وجود ندارد.

زمخشری، ذیل آیه ﴿أَفَلَمْ يَيْئَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (رعد/ ۳۱): «آیا آنها که ایمان آورده‌اند نمی‌دانند که اگر خدا بخواهد همه مردم را (به اجبار) هدایت می‌کند (اما هدایت اجباری سودی ندارد)!» با توجه به ادعای بعضی که نگارش این آیه را در «افلم یتبین» به اشتباه کاتب نسبت داده‌اند، می‌نویسد: این سخنان و مانند آن، درباره کتاب خدا به هیچ وجه پذیرفتنی نیست؛ کتابی که باطل از هیچ سو بدان راه ندارد. بنابراین، چگونه چنین اشتباهی آن چنان مخفی می‌ماند با اینکه قرآن همواره در دست بزرگان بوده است؛ بزرگانی که در دین خدا کاملاً جانب احتیاط را رعایت می‌کردند و بر قرآن هم مسلط بودند، به طوری که هیچ نکته ریز یا درستی از نظر آنان پنهان نمی‌ماند (زمخشری، الکشاف، بی تا: ۲/ ۵۳۰ و ۵۳۱).

سید مرتضی درباره نصب «الصَّابِرِينَ» در آیه ﴿... وَالْمُؤْمِنُونَ يَهْدِيهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ...﴾ (بقره/ ۱۷۷) می‌نویسد: این کلمه به دلیل مدح و ستایش نصب گرفته است؛ زیرا شیوه سخنوران این است که هرگاه بخواهند موضوعی را با صفات و ویژگی‌های متعدد توصیف کنند، بین آنها به صورت مدح یا ذم، جمله معترضه‌ای می‌آورند تا ممدوح یا مذموم را جداگانه مشخص سازند؛ در نتیجه، اعراب همه کلمات یکنواخت نخواهد بود (شریف مرتضی، امالی، ۱۳۷۳: ۲۰۵).

### نتیجه

۶۷

توجه بسیار زیاد گلدزیهر به کشف تمایزات و ویژگی‌های مذاهب گوناگون و اثرگذاری آنها بر یکدیگر و تکیه او بر روش استدلالی با نظام ذهنی پیش ساخته، باعث شده است تا خطاهای بسیاری را در باره قرائات قرآن مرتکب گردد و اختلاف قرائات را دلیلی بر عدم وحدانیت نص قرآن تلقی نماید. وی تا آنجا پیش می‌رود که ادعا می‌کند آنچه برای مسلمانان اهمیت داشته، حفظ معانی و مفاهیم قرآن کریم است نه الفاظ آن، در حالی که مسلمانان از صدر اسلام تا کنون به الفاظ و قرائت صحیح قرآن اهمیت داده‌اند.

گلدزیهر عوامل متعددی برای پیدایش اختلاف در قرائت بیان نموده که مهم‌ترین آنها عبارت است از: تساهل و تسامح پیامبر اکرم نسبت به قرائت قرآن، رسم الخط مصاحف عثمانی، عدم نقطه گذاری، دخالت شخص پیامبر در تغییر قرآن، دخالت اصحاب رسول خدا به سبب مصالح سیاسی و اجتماعی که بسیاری از این موارد مردود و نامقبول است و جواب همه آنها از سوی بزرگان و دانشمندان شیعه و اهل سنت داده شده است.

## پی‌نوشت‌ها

[۱] عبدالله بن سعد بن ابی سرح بن عامری (م ۶۵۶ ق.م) برادر رضاعی عثمان بن عفان، کاتب وحی و والی مصر در زمان خلافت عثمان بود. در روایات دیگر آمده که ابن ابی سرح در نوشتن وحی تغییراتی می‌داد و همین امر باعث باشد که پیامبر ﷺ او را از مقام کتابت وحی عزل نماید و او مرتد شد و به مکه گریخت (عیاشی، تفسیر عیاشی، ۱/ ۳۶۹). فیض کاشانی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: عبدالله بن سعد بن ابی سرح برادر رضاعی عثمان خط زیبایی داشت. هر وقت بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وحی نازل می‌شد، او را فرا می‌خواند و وحی را بر او می‌خواند و او می‌نوشت، اما او به جای «سمیع بصیر»، «سمیع علیم» و به جای «بما تعلمون خبیر»، «بما تعلمون بصیر» می‌نوشت و «یا» را عوض «تا» و «تا» را عوض «یا» کتابت می‌کرد. با این حال حضرت می‌فرمود: «هو واحد؛ فرقی نمی‌کند اینها یکی است». عاقبت این شخص مرتد شد و به مکه گریخت و به قریش گفت: به خدا قسم، محمد نمی‌داند چه می‌گوید؛ من هم قادرم مثل او بگویم و به مانند او آیه نازل کنم (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، بی‌تا: ۱۴۰ / ۲). البته روایات در زمینه تغییر قرآن و کلمات توسط ابی سرح اگر از نظر سند هم صحیح باشد، چون مخالف صریح آیات قرآن هستند قابلیت استناد را ندارند و بر اساس دستور پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم و ائمه علیهم السلام این گونه روایات را نباید قبول کرد. به علاوه، با رجوع به تاریخ و نحوه کتابت قرآن می‌بینیم که اولین کاتب وحی علی علیه السلام است که همه جا ملازم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند و اگر آیه ای نازل می‌شد، ایشان در کتابت آن به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اقدام می‌فرمودند و علاوه بر ایشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو کاتب دیگر هم داشتند به نام ابی بن کعب و زید بن ثابت که مورد اعتماد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم، انتشارات دارالقرآن الکریم، چاپ سوم، ۱۳۷۶ ش.
۲. ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاريخ، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۳. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، تاویل مشکل القرآن، تحقیق احمد صقر، قاهره: دارالکتب العربیه، بی تا.
۴. ابن کثیر، فضائل القرآن، بیروت: دارالاندلس، بی تا.
۵. ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و غیره، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۶. ابوالفرج، جمال الدین عبدالرحمن بن علی، زادالمسیر فی علم التفسیر، المکتب الاسلامی للطباعة و النشر، ۱۳۸۴ ق.
۷. ابوشامه، عبدالرحمن بن اسماعیل، ابراز المعانی من حرز الامانی، قاهره: مطبعه مصطفی البابی، بی تا.
۸. ابو عمرو دانی، عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، استامبول: مطبعه الدوله، بی تا.
۹. أوسى، شهاب الدين محمود، روح المعانی فی تفسر القرآن العظیم و السبع المثانی، قاهره: ادارة الطباعة المنیریة، بی تا.
۱۰. اندلسی، محمد بن یوسف، البحرالمحیط، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۱. بدوی، عبدالرحمن، دائره المعارف مستشرقان، ترجمه صالح طباطبائی، بی جا: روزنه، ۱۳۷۸ ش.
۱۲. بدوی، عبدالرحمن، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه شکرالله خاگرد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، ترجمه دکتر عبدالحلیل نجار، قاهره: دارالمعارف، بی تا.
۱۴. جزری، محمد بن محمد، غایه النهایه فی طبقات القراء، قاهره: مکتبه الخانجی، ۱۹۳۲ م.
۱۵. جفری، آرتور، مقدمتان فی علوم القرآن، تصحیح عبدالله اسماعیل صاری، قاهره: بی تا.

۱۶. حجتی، سیدمحمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا.
۱۷. حسین، طه، فی الادب الجاهلی، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۵۸م.
۱۸. حسینی طباطبایی، مصطفی، نقد آثار خاورشناسان، تهران: چاپخش، ۱۳۷۵ش.
۱۹. حموده، عبدالوهاب، القراءات واللهجات، قاهره: مطبعه السعاده، ۱۹۴۸م.
۲۰. الخطیب، عبداللطیف، معجم القراءات، بی‌جا، بی‌تا.
۲۱. خوبی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بی‌جا: انوارالهدی، چاپ هشتم، ۱۴۰۱ ق.
۲۲. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۲۳. رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب، (تفسیر کبیر فخر رازی)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۵ ق.
۲۴. رزقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، قاهره: دارالحیاء الکتب العربیه، بی‌تا.
۲۵. زرکشی، محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: مطبعه داراحیاء الکتب العربیه، بی‌تا.
۲۶. الزمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التاویل، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۲۷. زنجانی، ابوعبدالله، تاریخ قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲۸. سجستانی، عبدالله بن سلیمان، المصاحف، تصحیح دکتر آرتور جفری، قاهره: المطبعه الرحمانیه، بی‌تا.
۲۹. سمین، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، تحقیق احمد محمد خراط، دمشق: دارالقلم، بی‌تا.
۳۰. شاهین، عبدالصبور شاهین، تاریخ القرآن، بیروت: دارالعلم، بی‌تا.
۳۱. شبلی، عبدالفتاح اسماعیل، رسم المصحف والاحتجاج به فی القراءات، قاهره: مطبعه مکتبه النهضه، ۱۹۶۰م.
۳۲. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، الامالی، با تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۳ق.

۳۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه اعلمی، بی تا.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تصحیح و تعلیق ابوالقاسم گرگی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران: کتابفروشی اسلامی، بی تا.
۳۶. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تاویل آی القرآن (تفسیر طبری)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۳۷. عاملی، جعفر مرتضی، حقایق هامة حول القرآن الکریم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۳۸. علی جندی، محمد صالح سمک، محمد ابوالفضل ابراهیم، اطوار الثقافه و الفکر فی ظلال العروبه و الاسلام، قاهره: مطبعه الانجلو المصریه، ۱۹۵۹م.
۳۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران: کتب العلمیه و الإسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۴۰. فتح القدیر، شوکانی، محمد بن علی، دار ابن کثیر، دمشق: دار الکلم الطیب، ۱۴۱۴ق.
۴۱. فضلی، عبدالهادی، مقدمه ای بر تاریخ قرآنی کریم، ترجمه دکتر سیدمحمدباقر حجتی، تهران: عبدالهادی، بی تا.
۴۲. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان: مکتبه امیرالمومنین (علیه السلام)، ۱۴۰۶-۱۴۱۲ق، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۵ق.
۴۳. فیض کاشانی، محمد حسن، الصافی فی تفسیر القرآن، تهران: المکتبه الاسلامیه، بی تا.
۴۴. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
۴۵. کردی، محمد طاهر بن عبدالقادر، تاریخ القرآن، و غرائب رسمه و حکمه، قاهره: بی تا.
۴۶. کردی، محمد طاهر بن عبدالقادر، تاریخ القرآن، و غرائب رسمه و حکمه، جدہ: خطاط، بی تا.
۴۷. گلدزیهر، ایگناز، گرایش های تفسیری در میان مسلمانان (ترجمه مذاهب التفسیر الاسلامی)، ترجمه سید ناصر طباطبایی، مقدمه و حواشی سید محمدعلی ایازی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳ ش.
۴۸. المتقی الہندی، علاءالدین، کنز العمال، بیروت: مؤسسه الرساله، بی تا.